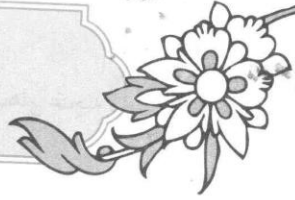


۲

فصل

شکفتن

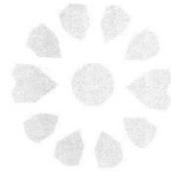


درس سوم: ارمغان ایران
درس چهارم: سفر شکفتن

سربزه‌م آورده دیدم برگ‌های غنچه‌را

اجتماع دوستان یکدم آندید یار

(صائب تبریزی)



سر به هم آورده دیدم برگ‌های غنچه را اجتماع دوستان یکدم آمد به یاد
(صائب تبریزی)

شرح:

- * سر به هم آوردن: کنایه از متحد شدن است.
- * دوستان یک‌دل: کنایه از دوستان هم‌دل و صمیمی است.
- بیت از اشعار شاعر بزرگ کشورمان، «صائب تبریزی» است.
- معنی بیت: وقتی گل‌برگ‌های غنچه را کنار هم دیدم یاد دوستان یک‌دل و متحد خودم افتادم.

صائب تبریزی



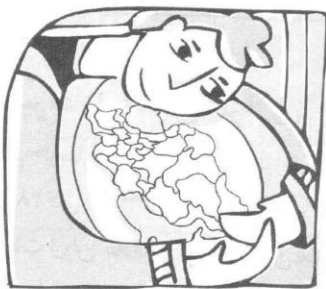
میرزا محمدعلی صائب تبریزی در قرن یازدهم ه. ق در اصفهان چشم به جهان گشود. صائب در اصفهان به تحصیل علم پرداخت و در جوانی به مشهد و مکه و پس از آن به هندوستان سفر کرد و با شاعران هندی آشنا شد. پس از هفت سال به حضور شاه‌عباس دوم صفوی در اصفهان رسید و عنوان «ملک‌الشعرایی» یافت. صائب از پرکارترین شاعران روزگار خویش است. صائب صاحب یک دیوان اشعار است که اشعار او در قالب غزل، مثنوی و قصیده سروده شده است.

درس سوم

ارمغان ایران

ایران، سرزمین ماه سرزمینی است بس کهن که دیری از درازنای تاریخ خویش، بزرگ‌ترین و آبادترین کشور جهان بوده است.

ایرانیان با دیگر مردمان، پیوسته به مهر و داد و دانایی رفتار می‌کرده‌اند. بدین سان برترین و گرامی‌ترین ارمغان ایران به دیگر سرزمین‌ها، اندیشه و خرد و فرهنگ بوده است.



آری، میهن شکوهمند ما، این خاستگاه بخردان و دانایان و روشن‌رایان، این کانون روشنی و راستی، این کشور مردمان‌گرد، یلان و دلیران و شیران سرزمینی است که ما بدان می‌نازیم و سر از همگنان برمی‌افرازیم.

فرزندم! بخوان و بجوی و پیوی و ایران و خود را بشناس و پروردگار پاک را سپاس بگزار، به پاس آن که تو را فرزند ایران برگزید.

واژه‌نامه

لیک: ولی
سپند: پاک و مقدس
فرزادگی: دانشور
فر: شکوه و جلال
تیره‌رای: بداندیش
خاستگاه: منشأ
غرد: دلیر و پهلوان

کهن: قدیمی
برمی‌کشد: بالا می‌برد
فره‌یختگی: دانایی، ادب‌آموختگی
فروغ: روشنی
داد: انصاف، عدل
ددی: وحشیگری
بخردان: دانایان

همگان: همگی، همگان	بین جان: ته دل، نهایت وجود
روشن‌رایان: روشن‌فکران	نژاده: اصیل، نجیب
هان: آگاه باش	بیوی: پویه کن (از مصدر پویدن: نه تند دویدن و نه آهسته راه رفتن)
درازا: طول، درازا	خیره‌روی: گستاخ
ارجمند: گرامی	ارمغان: هدیه
خرد: دانش	خامه: قلم
پیراسته: زیبا شده	الایش: آلودگی، ناپاکی
پلشتی: آلودگی، پلیدی	والا: بلندمرتبه، شریف
تبار: نسل	تابناک: روشن، درخشان، نورانی
نستوه: خستگی‌ناپذیر، مبارز	بسنده: کافی، شایسته
ستبر: بزرگ و محکم	هر آینه: مطمئناً، یقیناً
تکاپو: رفت و آمد به شتاب	گزند: آسیب

میرجلال‌الدین کزازی

متن «ارمغان ایران» از کتاب «فرزند ایران» نوشته‌ی میرجلال‌الدین کزازی انتخاب شده است. میرجلال‌الدین کزازی در ۲۸ دی ۱۳۲۷ در کرمانشاه چشم به جهان گشود. جلال‌الدین کزازی از همان دوران کودکی به فرهنگ و ادبیات ایران علاقه‌ی وافری نشان می‌داد. دوره دبستان و دبیرستان را در کرمانشاه گذراند و برای ادامه‌ی تحصیل به تهران آمد و در دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی دانشگاه تهران دوره‌های آموزشی را گذراند و به اخذ درجه‌ی دکتری در این رشته نائل شد. وی چندی را نیز در اسپانیا به تدریس ایران‌شناسی و زبان پارسی اشتغال داشته و اینک عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی است. علاوه بر زبان فارسی با زبان‌های اسپانیایی، آلمانی و انگلیسی هم آشناست. دکتر کزازی تاکنون ده‌ها کتاب و نزدیک به سیصد مقاله نوشته است و شعرهای زیبایی سروده که نام هنری وی در اشعارش (زُرّوان) است.

برخی از تألیفات دکتر کزازی عبارت است از:

- * از گونه‌ای دیگر (پیرامون شاهنامه‌شناسی)
- * دُرّ دریای دری (تاریخ شعر فارسی)
- * رُخسار صبح (خاقانی‌شناسی)
- * دیر مغان (حافظ‌شناسی)
- * پارسا و ترسا (عطارشناسی) و داستان مستان (دفتر شعر)

نکته

یکی از عناصر زیباسازی در سخن، کاربرد تکرار در کلام است. این تکرار موجب می‌شود که موسیقی متن زیباتر و تأثیرگذارتر به نظر آید. مانند:

۱) زندگانی را سر تکرار نیست فطرت او خوگر تکرار نیست

۲) ای جانِ جانِ جانِ جان، ما نامیدم از بهرِ نان برجه گدا رویی مکن در بزم سلطان، ساقیا

واژه‌های (تکرار) و (جان) در ابیات بالا به زیبایی شعر افزوده‌اند. اما گاهی تکرار یک حرف، می‌تواند موجب زیبایی کلام شود و سخن ما را دل‌نشین‌تر سازد. به تکرار یک حرف یا صدا در عبارت یا بیت «واج‌آرایی» یا «نغمه‌ی حروف» گفته می‌شود. به این مثال‌ها توجه کن:

* لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست لختی بخند، خنده‌ی گل زیباست
(تکرار حرف (خ) موجب زیبا شدن ابیات شده است.)

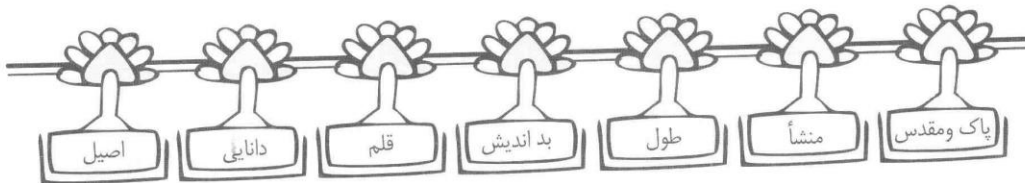
* سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
(تکرار دو حرف (ن)، (چ) و (ا) شعر را به نهایت زیبایی رسانده است.)

* ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کنی یاد
(تکرار حرف (د) و کلمات (دیده و دل) هر دو آرایه‌ی تکرار و واج‌آرایی را در این بیت نشان می‌دهد.)

تمرین‌های تشریحی



۱) از بین کلمات داده شده، هم‌معنی مناسب برای کلمات داخل کمانک پیدا کن و بنویس.



* سرزمین ما سرزمینی است بس کهن که دیری در (دراژنا)ی تاریخ، آبادترین کشور بوده است.

* کشور ما همواره سرزمین (سپند) فرّ و فروغ و فرزادگی و (فره‌یختگی) بوده است.

* دشمنان (تیره‌رای) ناچار به ارج نهادن نام ایران هستند..

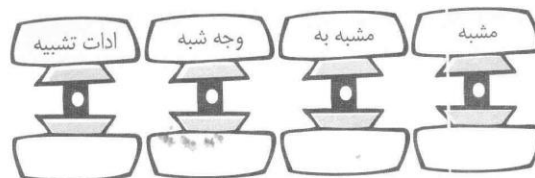
* برترین و استوارترین ستایش آن است که بر زبان و (خامه‌ی) دشمن روان می‌شود.

* میهن ما، (خاستگاه) بخردان و دانایان است.

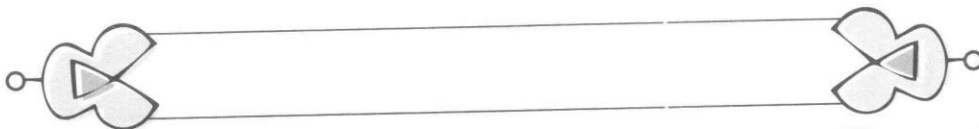
* فرزندانم، تو از تبار ایرانیان (نژاده) هستی.

۲) ارکان تشبیه را در عبارت زیر مشخص کن.

«تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نستوه چون کوه، می‌کوشند که آن گروه از ایرانیان را که از خویش بیگانه شده‌اند به خود بشناسانند.»



۳) یک بیت یا عبارت بنویس که دارای نیمه‌ی حروف یا واج‌آرایی است.



۴) درباره‌ی عبارت زیر یک بند بنویس.

ای فرزندم! مرا کم‌ترین گمانی نیست که تو ایران را دوست داری؛ لیک دوست داشتن بسنده نیست.



.....

.....

.....

.....

۵) در هر کدام از ابیات زیر، تکرار چه حرفی موجب واج‌آرایی شده است؟

* ریاست به دست کسانی خطاست که از دستشان، دست‌ها بر خداست

(.....)

* نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس ملامت علما هم ز علم بی‌عمل است

(.....)

* شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی غنیمت است دمی روی دوستان بینی

(.....)

۶) نوع جمله‌ها را در عبارت زیر مشخص کن.

* هان و هان! تو در این روزگار، چشم و چراغ ایرانی؛ پس دل از هرگونه آرایش و گمان درباره خویش پاک ساز و

()

()

()

بدین سخن باور آر که فرزند ایران و بیشه فرهنگ و ادب و شیر شیران هستی.

()

()

کلمه‌های مهم املائی



درازنای تاریخ - خویش - همواره - پسند - فروغ - فرزانی - فرهیختگی - بیهوده - آزادگان - تیره‌رای -
خیره‌روی - می‌ستایند - آزدگی‌شان - ارمغان - پلشتی - خاستگاه - بخردان - روشن‌رایان - یلان - تبار -
نژاده - نستوه - بیگانه - خویش‌شناس - بسنده - ستبر - ستوار - هر آینه - تکاپوی - دریغ - آرایش -
سپاس‌بگزار - بی‌گزند

نکته‌های املايي

هرگاه یکی از پسوندهای «ان / ی» به پایان واژه‌هایی نظیر «زنده، راننده، دونده، پرنده» افزوده شود، این گونه نوشته می‌شوند: «زندگی، راندگی، دوندگی، پرندگان»
 دلیل این تغییر، این است که هرگز دو نشانه‌ی صدادار مانند (ا، ی، و، ه) در کنار یک‌دیگر نمی‌نشینند و باید حرفی که میانجی خوانده می‌شود، میان آن دو حرف قرار بگیرد تا کلمه به راحتی خوانده شود. به این مثال‌ها توجه کن:

آقا + ان = آقایان ستاره + ان = ستارگان ایستاده + ی = ایستادگی آزاده + ان = آزادگان

۷) کلمات زیر را با پسوند خواسته شده، ترکیب کن و به صورت متقاطع در خانه‌های روبه‌رو بنویس. مانند نمونه.



* رها + ی =

در این کلمه حرف میانجی (باء) است که میان (ا) و (ی) قرار گرفته است.

* شایسته + ی =

* زنده + ی =

* سبزی + ات =

* دانشجو + ان =

* نیا + ان =

۸) در جدول زیر، کلماتی را پیدا کن که نیاز به «میانجی» داشته باشند و آن‌ها را در کادر کنار جدول بنویس.

گ	ی	گ	ن	س	ر	گ	س
ذ	ا	ب	ی	ت	ش	ل	و
ش	د	ش	س	م	ز	ی	خ
ت	ا	ا	ت	ن	ج	د	ت
ی	و	ل	د	و	د	ر	گ
ا	ر	گ	م	ت	س	ی	ا
ن	ی	ی	ا	ر	ا	د	ن



روش‌های چهارگزینه‌ای

۱. هم‌معنی کلمات (خاستگاه، فرزندی، روشن‌رایان، نستوه) به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) خواستن، دانایی، روشن‌فکر، خستگی‌ناپذیر
- (۲) منشأ، دانایی، روشن‌فکر، خستگی‌ناپذیر
- (۳) منشأ، عاشقی، نابینایان، مبارز
- (۴) منشأ، دانایی، خوش‌بین، به ستوه آمده و خسته

۲. عبارت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

- هان و هان! خویشتن را خوار مدار که تو در جهان گرمی‌ترینی، دل از هرگونه آرایش پاک ساز و برهان و بدین سخن باور آر که شیر شیران هستی. بخوان و بجوی و بیوی و ایران خود را بشناس.
- (۱) نه جمله (۲) ده جمله (۳) یازده جمله (۴) دوازده جمله

۳. در کدام یک از گزینه‌ها غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) میهن ما، ایران، خواستگاه بخردان و روشن‌رایان و کانون راستی و روشنی است.
- (۲) سرزمین ما سرزمینی است که ما بدان می‌نازیم و سر از همگان برمی‌افرازیم.
- (۳) تو از تبار ایرانیان نژاده و آزاده هستی که دلشان به نام ایران می‌تپد.
- (۴) تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نستوه، استوار چون کوه می‌کوشند که آن گروه از ایرانیان را که از خویش بیگانه شده‌اند به خویشتن بازآورند.

۴. کلمات کدام گزینه در هنگام پذیرفتن پسوند، نیاز به میانجی دارند؟

- (۱) ستوار، گذشته، پرفروغ
- (۲) بیگانه، آزاداندیش، خامه
- (۳) نستوه، شیرازه، فرزانه
- (۴) فرهیخته، پیراسته، دانا

۵. کلمات (بی‌اصل و نسب، آشنا، سُست، پاکی) به ترتیب مخالف کلمات کدام گزینه است؟

- (۱) نژاده، بیگانه، استوار، پلشتی
- (۲) اصل، غریبه، ناستوار، پیراسته
- (۳) نژاده، ناآشنا، پایدار، خاستگاه
- (۴) سالم، بیگانه، ناپایدار، ناپاک

۶. با توجه به معنی، املاي کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) نستوج: خستگی‌ناپذیر (۲) خاستگاه: منشأ (۳) ستبر: بزرگ (۴) سپند: پاک و مقدس

۷. در کدام یک از جملات زیر، نقش کلمات مشخص شده نادرست است؟

- (۱) هر کس ایران را به درستی بشناسد؛ دل بدان خواهد بخت.
- (۲) خدای بزرگ پشت و پناه تو و میهن، تن و جانت بی‌گزند.
- (۳) گرمی‌ترین ارمغان ایران به دیگر سرزمین‌ها، اندیشه و خرد و فرهنگ است.
- (۴) تو ایران را دوست داری، لیک دوست داشتن بسنده نیست.

۸. نوع شبه‌جمله در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) فرزندم، میهن شکوهمند ما، خاستگاه دانایان و روشن‌رایان است.
- (۲) گرامیم، برترین و استوارترین ستایش آن است که بر زبان و خامه‌ی دشمن روان باشد.
- (۳) هوشمند دلبندم، می‌دانم که هر کس ایران را به درستی بشناسد، دل بدان خواهد باخت.
- (۴) هان و هان، خویشتن را خوار مدار، زیرا در این روزگار، چشم و چراغ ایرانی.

۹. در کدام گزینه «واج‌آرایی» محسوس‌تر از بقیه گزینه‌ها است؟

- (۱) شبی چون شبه روی شسته به قیر
- (۲) خواب نوشین بامداد رحیل
- (۳) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم
- (۴) ریاست به دست کسانی خطاست
- نه بهرام پیداه نه کیوان، نه تیر
- باز دارد پیاده را ز سبیل
- هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
- که از دستشان دست‌ها بر خطاست

۱۰. در کدام گزینه هم، «نغمه حروف» دیده می‌شود و هم «تکرار»؟

- (۱) خالق و رازق زمین و زمان
- (۲) ای مست شبرو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟
- (۳) در پیشگاه اهل خرد نیست محترم
- (۴) نرگس مست نوازشگر مردم دارش
- حافظ و ناصر مکین و مکان
- گر نیستی پس چیستی؟ ای همدم تنهای دل
- هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
- خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سوم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۹	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۷	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۵	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۳	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱۰	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۸	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۶	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۴	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهار گزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۲)
۲. گزینه‌ی (۳)
«هان و هان! خوبستن را خوار مدار که تو در جهان گرامی‌ترینی. دل از هر گونه آرایش پاک ساز و برهان.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶)
بدین سخن باور آر که شیر شیران هستی. بخوان و بجوی و بپوی و ایران خود را بشناس.»
(۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱)
۳. گزینه‌ی (۱)
خاستگاه صحیح است.
۴. گزینه‌ی (۴)
فرهیخته + ی ← فرهیختگی
پیراسته + ی ← پیراستگی
دانا + ان ← دانایان ، دانا + ی ← دانایی
۵. گزینه‌ی (۱)
نژاده ≠ بی‌اصل و نسب بیگانه ≠ آشنا استوار ≠ سُست پلشتی ≠ پاکی
۶. گزینه‌ی (۱)
نستوه: خستگی‌ناپذیر
۷. گزینه‌ی (۴)
لیک، دوست داشتن بسنده نیست.
حرف ربط نهاد مسند فعل اسنادی
۸. گزینه‌ی (۴)
(هوشمند دل‌بندم) ، (گرامیم و فرزندم) شبه‌جمله از نوع ندا و منادا هستند. اما (هان) از نوع اصوات است.
۹. گزینه‌ی (۴)
حرف سین در گزینه‌ی (۴) هفت بار تکرار شده است.
۱۰. گزینه‌ی (۲)
نغمه حروف با تکرار حرف (س) و تکرار در واژه‌ی (نیستی)
گزینه‌ی (۱) فقط نغمه حروف دارد.
گزینه‌ی (۳) فقط تکرار دارد.
گزینه‌ی (۴) فقط نغمه حروف دارد.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس سوم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
■ □ □ □ ۹	■ □ □ □ ۷	□ □ □ ■ ۵	□ □ □ ■ ۳	□ □ ■ □ ۱
□ □ ■ □ ۱۰	■ □ □ □ ۸	□ □ □ ■ ۶	■ □ □ □ ۴	□ ■ □ □ ۲

حکایت

«همدلی و اتحاد»

فرمانروایی فرزندان خود را پند می‌داد و در آن میان چوبی تیری از تیردان بیرون کشید و به ایشان داد و گفت: «بشکنید.» به اندک نیرویی شکسته شد. دیگر بار دو عدد داد. باز به آسانی شکستند. بدین ترتیب بر تعداد چوب‌ها افزود تا به بیش از ده رسانید. آن‌گاه زور آزمایان از شکست آن درماندند. روی به فرزندان کرد و گفت: «ای فرزندان! حالِ شما در زندگی این چنین است. تا هنگامی که یاور و پشتیبان هم باشید، دشمن نمی‌تواند بر شما چیره شود و سالیان دراز می‌توانید پیروز و ظفرمند به سر برید.»

(جامع التواریخ)

واژه‌نامه



فرمانروا: حاکم، امیر	پند: نصیحت
تیردان: جایی که تیرهای کمان را در آن قرار می‌دادند.	ایشان: آن‌ها (ضمیر سوم شخص جمع)
زور آزمایان: کسانی که در مسابقه قدرت‌نمایی می‌کنند.	افزود: اضافه کرد. (فعل ماضی سوم شخص مفرد)
رسانید: رساند	درماندند: ناتوان شدند.
یاور: کمک و یار	چیره: غالب، پیروز
ظفرمند: فاتح، پیروز	

شرح برخی از عبارات:

- * فرمانروایی فرزندان خود را پند می‌داد.
- * فرمانروایی فرزندان خود را نصیحت کرد.
- * به اندک نیرویی شکسته شد.
- * با کمی قدرت و نیرو، چوب‌ها شکسته شد.
- * زور آزمایان از شکست آن درماندند.
- * کسانی که مسابقه می‌دادند و قدرت‌نمایی می‌کردند از شکستن چوب‌ها ناتوان شدند.

* گاهی مصدر را بدون (ن) به کار می‌برند که همان معنی مصدر را از آن درک می‌کنیم. مانند:
خورد و خواب: خوردن و خوابیدن
رفت و آمد: رفتن و آمدن
در این جا هم، شکست به معنی شکستن آمده است. به این گونه مصدرها «مصدر مرخم» می‌گویند.
* حال شما در زندگی چنین است.
این کار مثال زندگی شماست.

* به سر برید.

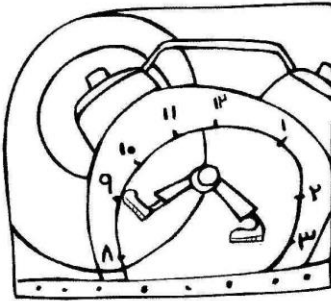
زندگی کنید.

«اتحاد و دوستی امر خداست افتراق و انزجار از دین جداست
چنگ در جیل خدا زن ای بشر تادرختت بر دهد نیکوثر»

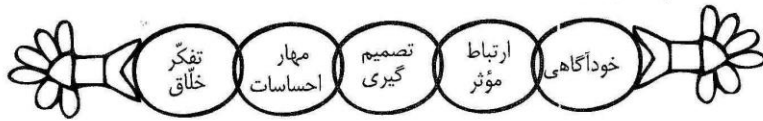
جامع التواریخ

کتابی است اثر رشیدالدین فضل‌الدین...، وزیر، مورخ، دانشمند و نویسنده‌ی فاضل و مدبر قرن هفتم. موضوع این کتاب، تاریخ مغول و تاتار و سلسله‌های قبل از مغولان است.

«بازبان عقربک می گفت عمر می روم، بشنو صدای پای من»



مبادا گذر شتابان عمر را به مسخره بگیرید یا به حرف بزرگ ترهایتان گوش نکنید و از تجربه های آن ها بهره نگیرید. اگر چنین کنید پانزده یا بیست سال دیگر به خود یا به دیگری خواهید گفت: «ای کاش کسی را داشتم که...» اگر برای سفر زندگی، خودمان را به مهارت های درست زیستن مجهز کنیم هرگز پشیمان نخواهیم شد و نخواهیم گفت: «سال های عمرم به بی ثمری گذشت.»



پر از سختی و دشواری

تأثیرگذار

چیرگی و پیروزی

کنترل

بیزاری

تازگی و شادابی

دانا و دانشمند

بهره

عقلی و عاقلانه

ناسازگاری

آشفته گی

بلندی

سرازیری

شرح برخی از عبارات:

* افسوس که جوان نمی‌داند و پیر نمی‌تواند.

حیف که انسان وقتی جوان است؛ تجربه‌ی کافی برای انجام خیلی از کارها ندارد و وقتی که تجربه کسب کرده است پیر و ناتوان شده و قادر به انجام خیلی از کارها نیست. آرایه‌ی تضاد دارد. (پیر ≠ جوان)
افسوس: شبه‌جمله است (از نوع اصوات).

* ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.

ضرب‌المثل است و به این معنی است که هر وقت شروع به کار کنیم، فرصت خوب و مناسبی است. فرصت‌ها را نباید از دست بدهیم.

بیش تر بدانیم

«ضرب‌المثل» گونه‌ای از بیان است که معمولاً تاریخچه و داستانی پندآموز در پس بعضی از آن‌ها نهفته است. شکل درست این واژه (مَثَل) است.

تفاوت اصلی ضرب‌المثل با کنایه، در شکل ساختار و عملکرد آن‌ها است. «مَثَل» جمله‌ای است کامل با ساختمانی کامل و استوار بر پایه و اساس ساختار جمله. مانند:

* خواستن توانستن است.

* آدم بی‌سواد کور است.

* با یک گل بهار نمی‌شود.

* تب تند زود به عرق می‌نشیند.

اما کنایه برخلاف مَثَل، عبارتی مصطلح و عمومی است که معنی ظاهری آن، مراد گوینده نیست و منظور گوینده معنی باطنی آن است. برخلاف مَثَل، عین جمله گفته نمی‌شود. بلکه به فراخور مفهوم و پیام جمله، شکل ساختاری کنایه تغییر می‌کند. مثلاً:

* «پا تو کفش کسی کردن» در جمله به شکل «پایت را از تو کفش بزرگ‌ترها در بیار» بیان می‌شود.

اما مَثَل در گفتار، همواره عین جمله‌ی اولیه می‌آید. در هر مفهوم و جمله‌ای مثل «آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک» را همین‌طور به کار می‌بریم. اما در کنایه قابل تغییر است. مانند:

* پنبه را از گوش بیرون آوردن ← پنبه رو از تو گوشت در بیار.

* آب از دست کسی نچکیدن ← آب از دست همسایه‌مان نمی‌چکد.

* پا را از گلیم خود درازتر کردن ← پاتو از گلیم خودت درازتر نکن.

* زندگی سفری پرفراز و نشیب است.

آرایه‌ی تشبیه دارد. زندگی را به سفری تشبیه کرده است که دارای دشواری‌ها و آسانی‌های بسیار است. آرایه‌ی تضاد دارد. فراز \neq نشیب
پرفراز و نشیب بودن کنایه است از کاری همراه سختی‌ها و آسانی‌ها

دعای کمیل:

یکی از دعاهای معروف که شب‌های جمعه خوانده می‌شود و به حضرت علی (ع) منسوب شده است.

نکته

به مجموعه‌ای از کلمات که در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند و مفهوم و پیام کاملی را به مخاطب می‌رسانند «جمله» می‌گویند.

جمله از دو بخش نهاد و گزاره تشکیل شده است که بخش اصلی گزاره، «فعل» است. نهاد، همواره اسم است و هرگز نمی‌تواند فعل باشد.

فعل انواع مختلفی دارد که در بخش‌های مختلفی از همین کتاب به آن پرداخته شده است. «اسم» کلمه‌ای است که برای دلالت بر شخص، شیء و یا مفهومی به کار می‌رود. مانند:

ساعت، مینا، داوود، همدلی، شجاعت، اتفاق، انسان و...

اسم انواع مختلفی دارد که در سال‌های آینده با انواع آن بیشتر آشنا خواهیم شد. «اسم عام و خاص، ساده و مرکب، معرفه و نکره، مفرد و جمع، جامد و مشتق و...»

و اما کاربردهای اسم در جمله که ما در این کتاب با آن سروکار داریم عبارت‌اند از:

* نقش نهادی: ساعت از کار افتاده است.

* نقش مفعولی: من ساعت خریدم.

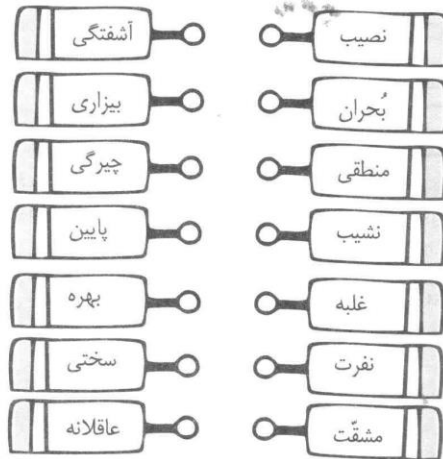
* نقش متممی: من از ساعت دوستم خوشم آمد.

* نقش اضافی: این عقربه‌ی ساعت است.

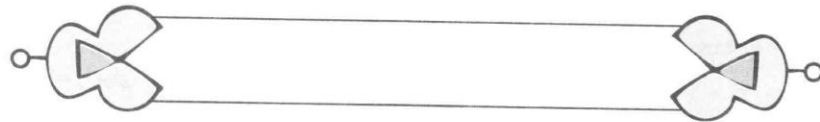
* نقش مستدی: وسیله‌ای که برای نشان دادن زمان به کار می‌رود، ساعت است.

تمرین های تشریحی

۱) واژه های هم معنی را به یک دیگر وصل کن.



۲) در متن درس یک ضرب المثل آمده است. آن را بنویس و مفهوم آن را در دو سطر توضیح بده.

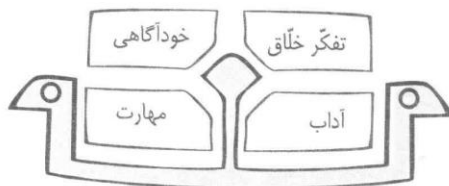


۳) مخالف (متضاد) کلمات زیر را بنویس.

حکیم ≠
 مؤثر ≠
 غلبه ≠
 منطقی ≠
 نشیب ≠
 مشقت ≠

۴) جاهای خالی را با استفاده از کلمات داده شده، کامل کن.

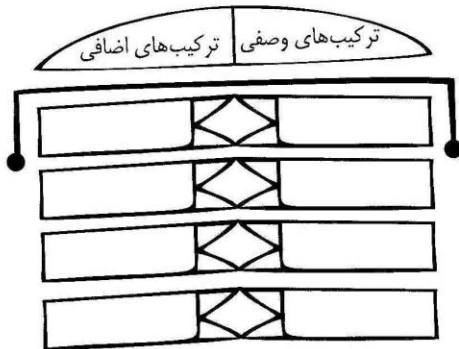
- * شناخت توانایی ها، نیازها، استعدادها و ضعف های خود را می نامند.
- * مهار احساسات گوناگون مانند عشق، خشم و نفرت، ترس و شادی، نوعی برای درست زندگی کردن است.



* یعنی جستجوی راه حل جدید برای رویارویی با مشکلات.

* سفر زندگی به خاص و مهارت هایی نیاز دارد که بدون آن ها زندگی آینده پرمشقت خواهد بود.

فارسی هشتم برای دانش‌آموزان تیزهوش



۵ ترکیب‌های وصفی را از ترکیب‌های اضافی جدا کن.

- پند بزرگ‌ترها - وضع بهتری - انرژی جوانی -
- فرصت‌های زیادی - گذر عمر - درآمد عالی -
- دعای کمیل - زندگی آرمانی

۶ در جمله‌های زیر اسم‌ها را مشخص کن.

سفر زندگی به مهارت‌هایی نیاز دارد.

ما می‌توانیم با توکل به پروردگار و تلاش به این مهارت‌ها دست یابیم.

در نوجوانی هرگز در خیال کسی نمی‌گنجد که در آینده به انسانی بی‌عاطفه و بد اخلاق تبدیل شود.

۷ نقش اسم‌هایی را که در زیر آن‌ها خط کشیده شده است مشخص کن.

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.

به شغل‌های خوب فکر کنید که درآمد عالی برای شما دارد.

مهارت‌های لازم را برای کم کردن دشواری‌های سفر بیاموزید.

۸ شعر زیر، تو را به یاد کدام قسمت از درس می‌اندازد؟

زندگی، آرام است، مثل آرامش یک خواب بلند

زندگی، شیرین است، مثل شیرینی یک روز قشنگ

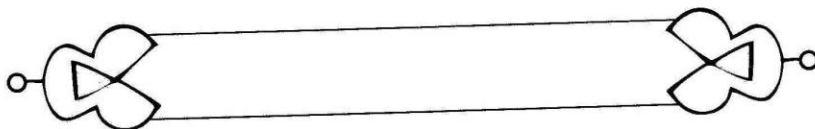
زندگی، تک‌تک این ساعت‌هاست

زندگی، چرخش این عقربه‌هاست

زندگی، مثل زمان در گذر است

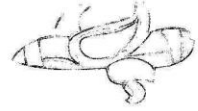
زندگی، آب روانی است

روان می‌گذرد





کلمه‌های مهم املائی

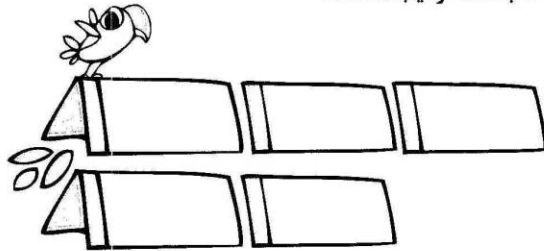


حکیم - افسوس - عبارت - وضع - انرژی - حتی - اصول - طولانی - عذای - دعای کمیل - نماز جماعت -
 شغل - موفق - دائمی - مذهبی - لذت بخش - معتاد - قاچاقچی - عالی - نصیب - عاطفه - آداب - خاص -
 مهارت - تفکر - استعداد - ارتباط - مؤثر - موقعیت - رویارویی - توکل - طراوت - شکوفایی - بحران -
 سرشار

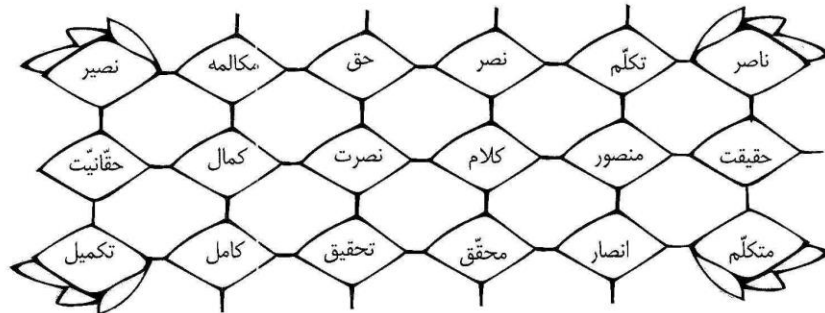
نکته‌های املائی

۱) اعداد در متن املاء، همیشه با حروف نوشته می‌شوند.
 هفت آسمان، چهارده معصوم، سیزده به‌در، چهل‌ستون، چهارراه، سی‌متری، سه‌راهی، هفت‌تیر، چهل‌چراغ،
 دوچرخه و...
 ۲) شناخت کلمات هم‌خانواده در صحیح‌نویسی کلمات، کمک زیادی به ما می‌کند. چون حروف اصلی در کلمات
 هم‌خانواده مشترک هستند؛ مثلاً عالی، متعالی، اعلا، علی، تعالی در یک گروه قرار می‌گیرند و شبیه به هم نوشته
 می‌شوند.

۹) پنج کلمه‌ی مرکب بنویس که با عدد ترکیب شده‌اند.



۱۰) کلمه‌های هم‌خانواده را مثل هم رنگ بزن.



روایتی شکی بخیزد که به نام

۱. کدام گزینه با ضرب‌المثل «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است» ارتباط نزدیک‌تری دارد؟

- ۱. قدر وقت آر نشناسد دل و کاری نکنند
- ۲. بس خجالت که در این حاصل ایام بریم
- ۳. طلب کردم ز دانایان یکی پند
- ۴. مرا گفتند با نادان مپيوند
- ۵. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
- ۶. تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
- ۷. در کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است
- ۸. با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است

۲. روایت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» با کدام مهارت زندگی ارتباط دارد؟

- ۱. خودآگاهی
- ۲. ارتباط مؤثر
- ۳. تصمیم‌گیری
- ۴. تفکر خلاق

۳. در کدام یک از ابیات زیر، ضرب‌المثل به کار رفته است؟

- ۱. کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست
- ۲. سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
- ۳. از مکافات عمل غافل مشو
- ۴. ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
- ۵. عالم تمام غرقه‌ی دریای خون شدی
- ۶. همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند
- ۷. گندم از گندم بروید، جوز جو
- ۸. با پادشه بگوی که روزی مقدر است

۴. کدام یک از اصطلاحات زیر «مَثَل» است؟

- ۱. در ناامیدی بسی امید است
- ۲. دست فلانی را در حنا گذاشته‌اند.
- ۳. فلانی چند مرده حلاج است.
- ۴. نان به نرخ روز خوردن.
- ۵. پایان شب سیه سپید است

۵. مترادف واژه‌های «بحران، فراز، غلبه، مشقت» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱. ناسازگاری، بالا، تقلب، سختی
- ۲. آشفتگی، بالا، چیرگی، سختی
- ۳. آشفتگی، پایین، پیروزی، رنج
- ۴. آشفتگی، بالا، شکست، سختی

۶. در کدام یک از گزینه‌ها، شبه‌جمله وجود ندارد؟

- ۱. افسوس که جوان نمی‌داند و پیر نمی‌تواند.
- ۲. می‌باید گذر شتابان عمر را به مسخره بگیرد.
- ۳. حتماً در آن تصویر رویایی به زندگی شیرین و موفق می‌اندیشید.
- ۴. ای کاش، کسی را داشتم که به من راه درست زیستن را می‌آموخت.

۷. در کدام یک از گزینه‌ها، غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) بُحران، نصیب، حکیم، مؤثر، موقعیت
- (۲) غلبه، مهار، نفرت، طراوت، هیجانات
- (۳) ارتباط، تصمیم‌گیری، تفکر خلاق، راه حل، وضع
- (۴) سنجیده، استعداد، ضعف، بُهران، اصول

۸. عبارت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

«اگر در پاسخ به حرف آن‌ها بگوییم: «ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است.» آه بلندی می‌کشند و می‌گویند: «هی! دیگر آن نیرو و انرژی جوانی در ما نیست.»

- (۱) پنج جمله (۲) شش جمله (۳) هفت جمله (۴) هشت جمله

۹. در کدام یک از عبارات زیر، مفعول وجود دارد؟

- (۱) با قدرت خیال خود به آینده بروید.
- (۲) به پانزده، بیست یا حتی سی سال دیگر فکر کنید.
- (۳) به احترام و اعتباری که برای خود کسب کرده‌اید می‌اندیشید.
- (۴) باید ویژگی‌های یک مسافر دائمی را در خود ایجاد کنیم.

۱۰. در کدام گزینه به ترتیب، نقش کلمات مشخص شده «نهاد، مفعول، متمم» است؟

- (۱) زندگی کردن به یادگیری اصول و روش‌هایی نیاز دارد.
- (۲) مبادا گذر شتابان عمر را به مسخره بگیرید و به حرف بزرگ‌تره‌ایتان گوش نکنید.
- (۳) آن‌ها فرصت‌های زیادی را در طول زندگی خود از دست داده‌اند.
- (۴) برای عده‌ای مدت زندگی کم و برای عده‌ای دیگر، مدت آن زیاد است.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس چهارم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۹	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۷	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۵	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۳	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱
<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۱۰	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۸	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۶	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۴	<input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> ۲

پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱. گزینه‌ی (۱)
۲. گزینه‌ی (۱)
«مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» یعنی: کسی که خودش را بشناسد خدای خود را شناخته است. و خودآگاهی یعنی شناخت خود.
۳. گزینه‌ی (۳)
«گندم از گندم بروید، جو ز جو» ضرب‌المثل است.
۴. گزینه‌ی (۱)
گزینه‌های دیگر کنایه هستند.
۵. گزینه‌ی (۲)
بُحران: آشفتگی، فراز: بالا، غلبه: چیرگی، مشقت: سختی
۶. گزینه‌ی (۳)
میاداد، کاش و افسوس در گزینه‌های دیگر، شبه‌جمله هستند.
۷. گزینه‌ی (۴)
بهران (بحران)
۸. گزینه‌ی (۳)
اگر در پاسخ به حرف آن‌ها بگوییم: «ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است» آه بلندی می‌کشند و
(۱) (۲) (۳) (۴)
- می‌گویند: «هی! دیگر آن نیرو انرژی جوانی در ما نیست.»
(۵) (۶) (۷)
۹. گزینه‌ی (۴)
ویژگی‌های یک مسافر دائمی: مفعول
۱۰. گزینه‌ی (۳)
آن‌ها: نهاد، فرصت‌های زیادی: مفعول، طول زندگی خود: متمم

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی درس چهارم

۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱	۴ ۳ ۲ ۱
■ □ □ □ ۹	■ □ □ □ ۷	□ □ ■ □ ۵	□ ■ □ □ ۳	□ □ □ ■ ۱
□ ■ □ □ ۱۰	□ ■ □ □ ۸	□ ■ □ □ ۶	□ □ □ ■ ۴	□ □ □ ■ ۲

شعر خوانی

شرح انتظار

چه روزها که یک به یک غروب شد، نیامدی،
خلیل آتشین سخن، تبر به دوش بت شکن
برای ما که خسته ایم و دل شکسته ایم نه
تمام طول هفته را به انتظار جمع ام
چه بغض‌ها که در گلو، رسوب شد نیامدی
خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی
ولی برای عده‌ای، چه خوب شد نیامدی
دوباره صبح، ظهر، نه! غروب شد نیامدی

شرح برخی از آیات:

* چه روزها که یک به یک غروب شد، نیامدی

قالب شعر «غزل» است. شعر در وصف انتظار و هجران حضرت صاحب‌الزمان (عج) است.

قافیه: غروب، رسوب، چوب، خوب، غروب ردیف: شد، نیامدی

مراعات‌التظیر بین بغض و گلو دارد.

رسوب: ته‌نشین شدن، در این جا به معنی بغض همیشگی و ماندگار در گلو است.

معنی بیت: اشاره به گذر روزها و سال‌هایی دارد که در انتظار حضرت مهدی (عج) ماندیم و ایشان نیامدند.

* خلیل آتشین سخن، تبر به دوش بت شکن خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی

تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم که تبر به دوش به بت‌خانه رفت و بت‌های آن‌جا را در هم شکست و تبر را به دست بت بزرگ داد تا به مردم شهرش بفهماند که بتی که آن‌ها، او را به جای خدای خود می‌پرستند حتی قادر به دفاع از خود نیست.

* مراعات‌التظیر دارد. واژه‌های خلیل، آتش، بت شکن، خدا، با هم تناسب دارند.

* خلیل لقب حضرت ابراهیم (ع) است. به معنی دوست.

آتشین سخن: کسی که سخنانش بسیار تأثیرگذار و مانند آتش داغ و سوزنده است.

* حضرت مهدی (عج) را به ابراهیم خلیل... تشبیه کرده است.

معنی بیت: ای امام زمان ما که همچون حضرت ابراهیم، بت ظلم و ستم را می‌شکنی نیامدی ببینی که مردم زمانه‌ی

من دوباره خدایانی از جنس سنگ و چوب برگزیده‌اند.

بر برای ما که خسته ایم و دل شکسته ایم نه ولی برای عده‌ای، چه خوب شد نیامدی

خسته و دل شکسته: صفت مفعولی

معنی بیت: ما که از نیامدن تو بی‌تابیم و ناراحت، اما گروهی هستند که چه خوب شد نیامدی که آن‌ها را ببینی و ناراحت

شوی.

* تمام طول هفته را به انتظار جمعهام دوباره صبح، ظهر، نه! غروب شد نیامدی
* در روایت‌ها آمده است که حضرت مهدی (عج) در روز جمعه ظهور خواهند کرد.
معنی بیت: روزهای هفته را یکی یکی پشت سر گذاشتیم و به انتظار تو نشستیم. اما باز هم غروب جمعه شد و نیامدی.

مهدی جهاندار

از شاعران معاصر است که بیش‌تر سروده‌هایش در وصف حضرت قائم (عج) و انتظار ظهورش می‌باشد.

شعر زیبای دیگری از مهدی جهاندار

و اسماعیل می‌دانست آن چاقو نمی‌برد
دلا دیوانگی کم نیست شاید عشق کم باشد
چرا ناراحتی ای دوست از دست رفیقانت
زلیخا را بگو نارنج‌هایش را نگه دارد
که صیادی که من دیدم دل از آهو نمی‌برد
اگر زنجیرها را زور این بازو نمی‌برد
که خنجر عادتش این است رودررو نمی‌برد
که دیگر نوبت عشق است و تیغ او نمی‌برد